

قصه‌هایی برای بچه‌های دُشوار

جلد ۱



امیر عطا صعبانی لطفی

نشر

آوای آرامش

انتشارات



فشر آوای آرامش



سرشناسه : صهبایی لطفی، امیرعطا، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور: قصه‌هایی برای بچه‌های دشوار / نویسنده و
طراح و صفحه‌آرا امیرعطا صهبایی لطفی؛ ویراستار محمودرضا
خرازی فرد.

مشخصات نشر: کرج: آوای آرامش، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۹۷ ص: مصور، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۳۹-۸۹-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی — قرن ۱۴

Short stories, Persian — 20th century

رده بندی کنگره: PIR۳۵۰

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۶۸۰۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب:
قصه‌هایی برای بچه‌های دشوار

امیرعطا صهبایی لطفی
صفحه‌آرا و گرافیک: امیرعطا صهبایی لطفی
ویراستار: محمودرضا خرازی فرد
ناشر: انتشارات آوای آرامش
شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۵۳۹ - ۸۹ - ۹

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای مولف محفوظ است.

فهرست

مقدمه	۵
جیدرز ماهیگیر و دختر پی وجدان پادشاه	۷
زنار پهلوان	۲۱
آل	۳۹
صندلی	۵۳
کره خر یتیم	۶۳
مصائب جزقل	۷۷
گوشت و گوشت	۹۹
موخره	۱۰۷

مقدمه

سلام .

این مقدمه کتابه. چیز خاصی برای گفتن ندارم. فقط چون همیشه نویسنده‌ها یا مترجم‌ها یه چیزایی رو در مورد کتاب تو مقدمه می‌نویسن، و از چند نفر تشکر می‌کنن، منم می‌خوام مقدمه بنویسم.

قصه‌های این کتاب رو تا حالا جایی نخوندید. از همین الان بگم که توی این داستانها هیچ پند و اندرز یا نکته اخلاقی وجود نداره. کلاً داستانهایی بی مایه هستن. و اگر چند جا جوگیر شدم و دوکلمه حرف قابل شنیدن زدم، عذر می‌خام.

اگر کتاب رو بدین بزرگتر هاتون براتون بخونن، بدون شک بعد از خوندن چند خط اول، پاره ش می‌کنن. اونوقت دلم می‌شکنه. اصولاً "هیچکس دلش نمی‌خواد نتیجه زحماتش رو پاره کنن. (بجز کسانی که بلیط سینما چاپ می‌کنن). بنا براین، کتاب رو خودتون بخونید. اگر هم چند تا کلمه توش بود که معنی‌ش رو نمی‌دونستید، برید توی Google و معنی ش رو پیدا کنید.

از هیچکس تشکر نمی‌کنم. چون هیچکس در نوشتن این کتاب، نه تشویقم کرد و نه کمک. ولی خیلی دلم می‌خواست اسم کسانی که دوست دارم اذیت شون کنم رو به

عنوان اساتیدم توی مقدمه ذکر کنم و ازشون بخاطر راهنمایی‌های ارزشمندشون تشکر کنم. مجسم کنید مثلاً آقای فلانی که مدیرعامل یک شرکت بزرگ دولتی یا خصوصی هست، یه روز که میره سرکارش، می‌بینه کارمند هاش دارن زیرزیرکی پچ پچ می‌کنن و می‌خندن. بعد علتش رو از منشی می‌پرسه و منشی هم این کتاب رو بهش نشون می‌ده و می‌گه: بخاطر این کتابه. نویسنده توش از شما تشکر کرده. قیافه یارو دیدنی‌تر می‌شه اگه چاق باشه و کت و شلوار تنش باشه. در پایان کتاب هم یک موخره می‌نویسم. اما تا کتاب رو نخوندین، سراغ موخره نرین چون لوس می‌شه.

در ضمن نقاشی‌های کتاب کار خودمه. با نرم افزار Autocad کشیدمشون. چیه؟ همینقدر بلد بودم. شما بهتر بلدین؟